

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

هویت زیبایی شناختی برنامه درسی

نویسنده:

سیده ام لیلا موسوی^۱

چکیده

در این مقاله به توسعه برنامه‌های درسی تلفیقی و استفاده از مضامین مواد درسی دیگر در آموزش هنر و یادگیری آن پرداخته می‌شود. به این ترتیب که رشته‌های طراحی و نقاشی، کاردستی، عکاسی، خوشنویسی، نمایش و موسیقی برای برقراری ارتباط با طبیعت و محیط، درک زیبایی‌ها و الهام گرفتن از آن‌ها، در راستای سازماندهی‌ای است که در تلفیق با مفاهیم درسی انتظار می‌رود بر فزاینده‌ی یادگیری در درس هنر و غنای مفاهیم درسی تلفیق شده بیفزاید. از این رو یادگیری در درس هنر (کارکرد اولیه) و سایر دروس (کارکرد ثانویه) از طریق رشته‌های نامبرده صورت می‌گیرد. دانش‌آموزی که هنرهای تجسمی را خلق می‌کند قادر است مفاهیم را به شکل دیداری تولید و منتقل کند و همچنین درک نماید؛ بنابراین کلیه فعالیت‌ها و محتوای برنامه‌های درسی می‌تواند در خدمت تقویت خلاقیت، زیبایی‌شناسی، ارتباط بهتر دست و ذهن، تولید هنری و خلق آثار دانش‌آموزان باشد.

واژه‌های کلیدی: هنر، زیبایی‌شناسی

مقدمه

یک تخته سنگ به قدری زیبایی دارد که می‌توانید عمری را صرف تجربه‌ی آن کنید. (آیزنر، هنرها و خلق ذهن، ۲۰۰۲، ص ۲۳۰). تربیت هنری در ایجاد و بارورسازی زمینه‌های سازنده نظیر خلاقیت، رشد مهارت‌های شناختی، پرورش و تعدیل عواطف و احساسات، تحول سلوک فردی، رشد اخلاقی، افزایش اعتمادبه‌نفس، رشد مهارت‌های فیزیکی تأثیری شگرف دارد. از این رو مکاتب گوناگون فکری، هنر را به منزله وسیله‌ای کارآمد برای توسعه مفاهیم و معارف مختلف در جامعه دانسته و آن را در پرورش انسان به گونه‌ای متناسب باهدف‌های خود به کار گرفته‌اند (میرزا بیگی، ۱۳۹۰).

تدریس هنر، حرفه‌ای تخصصی است و کار ساده‌ای نیست. بزرگ‌ترین لطمه‌ای که سال‌هاست به هنر وارد می‌شود آن است که ما به دانش‌آموزان اجازه می‌دهیم برای لذت بردن از هنرها، به سادگی در کلاس درس بدون فعالیت هدفمند

^۱ معلم ابتدایی دوره‌ی ششم، Imousavi@outlook.com



عمل کنند و گویی آن‌ها را در ساعت هنر به حال خود رها می‌کنیم؛ اما این روش صحیحی نیست. برای منفعت بردن از هنرها لازم است دانش آموزان در رشته‌ها و فعالیت‌های هنری غوطه‌ور شوند. تعادل ظریفی بین مهارت‌های یادگیری و داشتن آزادی برای نوآوری و تأمل وجود دارد؛ درحالی‌که بیشتر معلمان برای این امور آموزش ندیده‌اند. (مهرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۳). دخالت معلم، والدین، مربیان و... برای پرورش درک هنری و زیبایی‌شناختی در کودکان و نوجوانان مستلزم یک برنامه حساب شده است. کودکان در هر زمانی آمادگی توجه به آثار هنری یا پدیدآوری یک اثر هنری را ندارند. از این‌رو، برنامه پرورش ادراک هنری باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که در چارچوب برنامه تدوین شده، کودکان با لذت و کشش ویژه‌ای با دو چشم خود و با چشم عقلشان از دیدن آثار هنری بهره بگیرند و برای آفریدن اثر هنری برانگیخته شوند. هدف مشخص در درس هنر آن است که دانش آموزان شیوه‌های آموختن، ارائه و دریافت مفاهیم درس علوم (کارکرد ثانویه) را از راه‌های مختلف هنری (کارکرد اولیه) طبق استانداردهای عمومی هنر که بیان‌گر آن هستند که دانش‌آموزان چه چیزهایی را درباره هنر باید بدانند و انجام دهند، بیاموزند. به‌عبارت‌دیگر تصویرهای ذهنی خودشان را از مفاهیم در قالب الگوها و رشته‌های هنری بسازند.

روش

زیبای شناسی به ارتقا و غنای احساسات منجر می‌شود. آموزش هنر، قضاوت‌های مرتبط با روابط کیفی را اصلاح می‌کند و اشخاص را متوجه روابط ظریفی می‌کند که هر اثر هنری باید به‌ناچار نمایان سازد. یکی از مهم‌ترین اهداف آموزش هنر کمک به دانش‌آموزان برای شناخت واقعیت هنر و کسب توانایی تفسیر و قالب‌بندی زیبا شناسانه‌ی جهان است (آیزنر، تدریس مبتنی بر هنر: چرایی) دانش‌آموزان می‌توانند گل‌ها را ببینند، بر سطح سنگ‌ها دست بکشند و آن‌ها را لمس کنند و با تمام حواس خود به کشف ظرافت اشیاء بکوشند. ایجاد و پرورش حساسیت زیبایی‌شناختی در کودکان آثار و مزایای بسیار مطلوبی برای آنان دارد.

هنر موضوعی است که می‌تواند با زمینه‌های دیگر برنامه درسی ارتباط داشته باشد. توانایی دانش‌آموزان در ساختن و تولید کردن با استفاده از تلفیق اشکال دانش در حیطه یک موضوع مشخص و یا موضوعات مشترک می‌تواند در انواع کارهای پروژه‌ای به نمایش گذاشته شود و بر اساس آن می‌توان یک اثر هنری در قالب رشته‌های مختلف هنری و تلفیق آن‌ها را تولید کرد.

آموزگاران می‌توانند موضوع فعالیت هنری را از میان فهرست مندرجات مواد درسی انتخاب کنند. مواد درسی، مرجع و کلیدی است که به معلم کمک می‌کند تا از طریق مفاهیم درسی بر غنای یادگیری درس هنر (تولید هنری- کارکرد اولیه) و همچنین یادگیری سایر دروس (کارکرد ثانویه) در ساعت درس هنر بیفزاید. از این‌رو ساعت درس هنر فرصت مناسبی است که یادگیری سایر دروس به‌عنوان کارکرد ثانویه، به نحو مطلوب انجام شود. هنر به دانش‌آموزانی که از نظر



تحصیلی وضع چندان مطلوبی ندارند، امکان می‌دهد به‌گونه‌ای موفقیت را تجربه نمایند (جان لنکستر، نقل شده در عباس زاده ۱۳۷۳)؛ و در یادگیری درس‌ها موفق‌تر از سایرین عمل کنند (هیوم ۲۰۰۲). شاید ساعت هنر در برابر جنبه‌های محدودکننده سایر دروس از این جهت خودنمایی کند که فرصت‌های خلاق و انعطاف‌پذیری را برای کودکان فراهم می‌آورد تا معلومات خود را غنی‌تر نمایند (تلفیق اشکال مختلف دانش). به‌طور مثال، اگر دانش‌آموزان به روش اکتشافی نمونه‌های دقیقی از یک حشره، یک برگ و نظایر آن را به‌صورت خطی رسم کنند (کارکرد اولیه در درس هنر) شکل کلی آن‌ها در درک دانش‌آموزان مؤثر است (هارلن، ۱۹۸۷ نقل شده در رستگار و دانش فر). می‌بایستی برای کودکان فرصت‌هایی فراهم کرد تا بتوانند در کارهای هنری از طریق کار تحلیلی متفکرانه، پدیده‌های طبیعی و مصنوعی بشر را مطالعه و ثبت کنند. به‌این ترتیب دانش‌آموزان را در کارهای پروژه‌ای که در آن هنر و مفاهیم دروس دیگر عوامل فعالی است، درگیر می‌کنیم. مفاهیم درسی و محرک‌های محیطی موجب برقراری ارتباط و همچنین آموختن مهارت کار با چشمان متفکر و مشاهده‌گر موجب تقویت مشاهده دقیق، بسط مفاهیم، ساخت دادن به ایده‌ها و فزاینده‌گی خلق اثر هنری را می‌شود. پرکینز (۱۹۹۴) خلق آثار هنری را با تفکر همراه می‌داند. به گفته دیویی (۱۹۳۴) خلق اثر هنری، باقابلیت‌های فکری اساسی مانند حل مسأله توأم است، همچنین رزنیک (۱۹۸۷) تفکر در سطوح بالا را مستلزم کوشش یعنی کار ذهنی فراوان (بسط و قضاوت) می‌داند. از این‌رو کارکردها و پیامدهای تربیت هنری را به شرح زیر برمی‌شمارد که در یک نگاه تلفیقی حکایت از ضرورت و اهمیت هنر در فزاینده‌گی آفرینش‌های هنری و پرورش تفکر دارد:

ادراک روابط؛ توجه به ظرایف؛ امکان راه‌حل‌های گوناگون؛ به‌کارگیری تخیل؛ نگرستن به جهان از دریچه زیبایی‌شناسی؛ امکان استفاده از محدودیت‌ها؛ پرورش قابلیت‌های شناختی و ذهنی؛ سخت‌کوشی؛ به‌کارگیری اشکال مختلف ابراز وجود؛ رغبت بیشتر در یادگیری دروس؛ بازنمایی احساس و عواطف؛ تقویت قابلیت‌های بصری و نظایر آن (آیزنر ۱۹۸۶؛ نقل شده در مهرمحمدی ۱۳۸۳).

تفکر امروزی درباره هنر و زیبایی‌شناسی به‌منزله هسته اصلی برنامه درسی و اصلاح نظام آموزشی است (آدل، آیف، سن ۱۹۹۶). به گفته والینگ (۲۰۰۱) قرار گرفتن آموزش هنر در میان اولویت‌های بالاتر مدارس و همخوانی آن با آزمون‌ها و استانداردهای سطح بالا و همچنین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در ریاضی و علوم موجب شده است تا آموزش هنر به جایگاهی بسیار بالاتر صعود نماید و در قلب تعلیم و تربیت جای گیرد.

استانداردهای عمومی در آموزش هنر: در برنامه‌ریزی درسی مدارس نظام آموزشی آمریکا، به پنج استاندارد عمومی در آموزش هنر توجه می‌شود؛ ویژگی‌های زیر از دانش‌آموزان مورد انتظار است:

۱- توانایی برقراری ارتباط در رشته‌های هنری همچون نقاشی، هنرهای تجسمی، موسیقی، تئاتر و رقص و به‌کارگیری دانش، مهارت، فن‌ها، وسایل، تجهیزات و توانایی‌های فکری.

۲- توانایی تجزیه و تحلیل آثار هنری با آگاهی از زمینه‌های نظری و تجربی هنرهای بصری.

۳- شناخت عمیق و آگاهانه آثار هنری برجسته در فرهنگ‌های مختلف و در ارتباط با کار هنری دانش‌آموز.



۴- درک و کاربرد انواع رسانه‌ها و فن‌های مرتبط با هنرهای تجسمی و تلفیق اشکال مختلف دانش در ارتباط با رشته‌های هنری.

۵- مطالعه و تلفیق حوزه‌های زیبایی‌شناسی، نقد هنری، تاریخ هنر و تولید هنری

فضای آموزشی و چیدمان کلاس: چیدمان و سازمان‌دهی مواد و وسایل، میز و صندلی، رسانه‌های آموزشی و نظایر آن موجب تفریح چشم، ذهن و لذت بصری و فکری دانش‌آموزان می‌گردد و آشنایی بیشتر آن‌ها با فضای آموزشی را باعث می‌شود. این وظیفه‌ی مربیان است که محیط یادگیری را طراحی کنند؛ محیطی که حمایت‌کننده باشد و شرایط قریب رشد را برای یادگیرنده فراهم آورد. سبب ارتقای سطح پیشرفت آموزشی کودکان و جوانان گردد. به دیگر سخن محیطی که طراحی می‌شود باید فرصت برنامه‌ریزی درسی و فعال‌سازی معلم به‌مثابه هنرمند را فراهم آورد. (آیزنر، تدریس مبتنی بر هنر: چرایی) دانش‌آموزان برحسب رشته‌های هنری موردعلاقه‌شان (طراحی و نقاشی، کاردستی، عکاسی، خوشنویسی، نمایش و موسیقی) به‌منظور تولید هنری با استفاده از مفاهیم درس علوم تقسیم می‌شوند. دانش‌آموزان در چند میز که هر یک مخصوص یک رشته هنری است در قالب انفرادی یا تیمی به فعالیت یادگیری می‌پردازند و تولید هنری را درزمینه‌ی موردنظر دنبال می‌کنند.

مفاهیم عمده:

۱- رویکرد تولید هنری: در این رویکرد، دانش‌آموزان با به‌کارگیری مواد و ایده‌های قبلی و سازمان‌دهی جدید مواد و ایده‌ها، به خلق اثر هنری می‌پردازند. به‌این‌ترتیب معلم به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد که یادگیری‌های خود را توسط زمینه‌های متفاوت هنر به‌عنوان یکی از راهبردهای دریافت اطلاعات مانند نقاشی، کاردستی، خوشنویسی، عکاسی، نمایش و موسیقی شکل دهند، تولید کنند و به نمایش بگذارند.

۲- تلفیق هنر و درس علوم: به‌نوعی از برنامه درسی گفته می‌شود که در آن یکی از مفاهیم و مضامین درسی علوم و مواد گوناگون با زمینه‌های هنری پیوند داده می‌شوند تا بستر مناسب‌تری برای یادگیری دانش‌آموزان در محیط کلاس هنر ایجاد گردد. قابل‌توجه است که در این تلفیق، درس هنر دارای کارکرد اولیه است و درس علوم به‌عنوان کارکرد ثانویه مطرح می‌شود. در این راستا از رشته‌های علمی و مفاهیم آن به‌طور مثال از مفاهیم درس علوم کمک گرفته می‌شود تا امکان ارتقاء یادگیری در بعضی ابعاد درس هنر مانند خلاقیت و آفرینش‌های هنری، تقویت زیبایی‌شناسی و توسعه ارتباط میان دست و ذهن و در درجه دوم تعمیق مفاهیم درسی، از طریق سیال‌سازی ذهنی (پست، ۱۹۹۷؛ کن نی ۲۰۰۱) فراهم شود. این نوع تلفیق یکی از انواع تلفیق در سازمان‌دهی برنامه درسی است و می‌تواند به‌عنوان یک (فرا دیدگاه) محسوب شود که برگرفته از رویکرد تولید هنری و ساختار مضمون محور بین‌رشته‌ای است. به‌طور مثال با استفاده از مفهوم (آب) به‌صورت پروژه‌ای به‌عنوان یک کارکرد اولیه در درس هنر و کارکرد ثانویه در دیگر زمینه‌ها چون علوم، به شرح زیر کوشش می‌شود تا مفاهیم، مهارت‌ها و نگرش‌های موردنظر در قالب رویکرد تولید هنری در تلفیق با مفاهیم دروس دیگر، آموزش داده شود:



- ۱- تولید تصاویر آب با شکل‌های مختلف در سطح رودخانه، دریا، استخر، جویبار، آبشار، تنگ آب (طراحی، نقاشی و عکاسی، کارکرد اولیه در درس هنر)
- ۲- کشف انواع صداهایی که آب ایجاد می‌کند مانند صدای باران؛ آبی که چکه می‌کند؛ آبشارها؛ تکان دادن، دمیدن و ضربه زدن به آب در ظروف، شنیدن سمفونی دریا (موسیقی - کارکرد اولیه در درس هنر).
- ۳- شناسایی موجودات آبی و مطالعه از طریق میکروسکوپ و نقاشی کردن آن (یکی از مفاهیم درسی علوم - کارکرد ثانویه در درس هنر).
- ۴- تقلید شنا کردن و حرکت ماهی‌ها (نمایش - کارکرد اولیه در درس هنر).
- ۵- ساختن مرکب سیاه و رنگی با آب (خوشنویسی، نقاشی، خط - کارکرد اولیه در درس هنر).
- ۶- مطالعه و نشان دادن مفاهیم زیر از طریق نقاشی، عکاسی و رسانه‌های ترکیبی مانند تصویر و صدا: امواج و جزر و مد (درس علوم) و حرکت کشتی‌ها و پی‌گیری مسیر رودخانه‌ها تا رسیدن به کوه‌ها و دریاها (جغرافیا)؛ مطالعه تمدن‌ها در کنار آب و استفاده از آب در اعصار مختلف (درس تاریخ) تخمین عمق ظروف مایعات (برک‌ها، دریاچه‌ها، دریاها، رودخانه‌ها) و حجم آب سدها (ریاضیات و علوم - کارکرد ثانویه).
- ۳ - خلاقیت و آفرینش هنری: خلاقیت و آفرینش هنری یکی از ملاک‌های پیشرفت یادگیری در درس هنر با رویکرد موردنظر است که در آن تصورات دانش‌آموز تغییر می‌یابد و تصورات جدیدی ساخته می‌شود. فرد خلاق مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی را به صورت هدفمندانه سروسامان می‌دهد که اثر هنری نتیجه آن است. دانش‌آموز خلاق در زنگ هنر با وسعت دادن ساختارهای شناختی قبلی (تلفیق از درون) به صورت ذهنی مانند خلق یک ایده نو و بازسازی جهان خارج (تلفیق از بیرون) به صورت عینی زمینه ساختن در شکل‌های دیداری، کلامی و حرکات بدنی، موسیقایی، نمادی و نظایر آن را فراهم می‌آورد این‌ها نشان‌دهنده خلاقیت دانش‌آموز و توانایی بیشتر در آفرینندگی است.
- ۴ - زیبایی‌شناسی: روش خاصی از درک اشیاء، رخدادها یا موقعیت‌های هنری است که موجب آشکار شدن معانی مستتر در آن‌ها می‌شود (برودی ۱۹۶۲، به نقل از رضایی ۱۳۸۳)، این آشکار شدن معنا به صورت ادای کلمات ارزشی و عاطفی است و به صورت برانگیختگی نمود پیدا می‌کند.
- ۵ - ارتباط و تعامل دست و ذهن: این ارتباط همان فرآیند خلق ایده و ساختن چیزی از جسمی خاص است. این نوع ارتباط با مشاهده و تجربه تقویت می‌شود که حاصل عمل و فعالیت فرد یادگیرنده است. دیویی معتقد است که رشد ذهنی انسان با فعالیت‌های عملی او نسبت مستقیم دارد. از این‌رو هر اثر هنری که نتیجه فرآیند تولید هنری است چیزی قابل لمس و ساخته شدن توسط هنرجو است. از زمانی که یادگیرنده شروع به تولید هنری می‌کند هر حرکت دست و ذهن به صورت تعاملی، او را در تصور اثر هنری پنهان شده، عمیق تر و دقیق تر می‌سازد. از این‌رو، جستجو کننده خود نمی‌داند به دنبال چه چیزی می‌گردد. تا لحظه‌ای که آن را پیدا می‌کند. در تولید هنری، تصور (ذهن) و اجرا باهم پیش می‌روند.



۶- ارتباط هنر و علوم: تلفیق مفاهیم درسی علوم که شامل دانش مفهومی است در درس هنر به این شکل است که مفاهیم موردنظر در میان اجزا و عناصر نقش حلقه‌های ارتباطی را ایفا می‌کنند. به طوری که یک مفهوم انتخاب می‌شود که از دیدگاه رشته‌های هنری، طراحی و نقاشی، خوشنویسی، عکاسی، نمایش و موسیقی بتواند مورد بررسی قرار گیرد. دانش آموزان بر اساس میزان آموخته‌هایشان به گروه‌های کوچک تقسیم می‌شوند و برای هر گروه فعالیت خاص طراحی و تجویز می‌گردد به گونه‌ای که معلم، دانش آموزان را فعالانه درگیر تکالیف آموزشی‌اش (تولید هنری) می‌کند. همچنین دانش آموزان از انگیزه‌های درونی و سبک‌های یادگیری متناسب با تفاوت‌های فردی برخوردار گشته و بر پرورش استعدادها و مهارت‌های فرایندی آن‌ها تأکید می‌گردد (متناسب با مضمون کلاین ۱۹۸۶ نقل شده در مهر محمدی ۱۳۶۷). از ویژگی‌های مهم فعالیت‌های هنری استفاده از وسایل و مواد گوناگون، ساختن، خراب کردن، بریدن، چسباندن، کم کردن، اضافه کردن، اصلاح کردن و ترکیب کردن مفاهیم و مواد، چیز تازه‌ای را خلق کردن و همچنین دست‌کاری اشیاء است که در روش حل مسأله، مظاهر آن را می‌توان مشاهده کرد. از این‌رو یادگیری در درس هنر را می‌توان بر پایه درس علوم بنا کرد؛ ویتگنشتاین می‌گوید برای برخی مفاهیم به جای آنکه به دنبال صفت و مشخصه‌ای بگردیم که در هنر مصادیق محقق آن حاضر و موجود باشد، بهتر است ببینیم چگونه مصادیق‌های گوناگون آن مفهوم در حالت دوتایی با یکدیگر مرتبط می‌شوند یا وجه مشترکی بین آن‌ها وجود دارد (کاپالدی، نقل شده در حقی ۱۳۷۷). وجه مشترک میان هنر و علوم، زیبایی و خلاقیت است. زیبایی چیزی است که آدمی را به خود جلب می‌کند و ما خواهان تکرار دیدن یا شنیدن آن هستیم. خلاقیت ساخت دادن به ایده‌هاست. دانشمندان سعی دارند نظریه‌هایشان را با تصویرهایی بیان کنند که حاوی زیبایی منطقی باشد. زندگی بخشیدن به ایده‌ها و شکل‌ها علت وجودی هنرمند و دانشمند است.

۷- علل انتخاب رشته‌های هنری: چون برنامه درسی هنر برای کلیه دانش‌آموزان با توجه به نظریه هوش چندگانه (راهبردهای ارائه و دریافت اطلاعات به صورت‌های کلامی، بصری، منطقی، شخصی، اجتماعی، فیزیکی، موسیقی) طراحی شده است، انتظار می‌رود بیشتر پاسخ‌گوی تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان باشد. هنر صرفاً طراحی و نقاشی نیست و به زمینه‌های مختلف هنری در جهت تقویت هوش چندگانه دانش‌آموزان و دادن قدرت انتخاب به آن‌ها می‌باید توجه شود. در رویکرد تولید هنری و تلفیقی، دانش‌آموزان در هر جلسه درس هنر، به صورت دلخواه به سراغ یکی از رشته‌ها می‌روند، از قدرت انتخاب برخوردار می‌شوند و یادگیری معنا و انگیزش بیشتری پیدا می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هری برودی: تعلیم و تربیت اساس تمام حوزه‌های پژوهشی و هنر خود، اساس تعلیم و تربیت است. کلیه فعالیت‌ها و محتوای برنامه‌های درسی می‌تواند در خدمت تقویت خلاقیت، زیبایی‌شناسی، ارتباط بهتر دست و ذهن، تولید هنری و خلق آثار دانش‌آموزان باشد. دانش‌آموزی که هنرهای تجسمی را خلق می‌کند قادر است مفاهیم را



به شکل دیداری تولید و منتقل کند و همچنین درک نماید؛ بنابراین کلیه فعالیت‌ها و محتوای برنامه‌های درسی می‌تواند در خدمت تقویت خلاقیت، زیبایی‌شناسی، ارتباط بهتر دست و ذهن، تولید هنری و خلق آثار دانش‌آموزان باشد. رشته‌های طراحی و نقاشی، کاردستی، عکاسی، خوشنویسی، نمایش و موسیقی برای برقراری ارتباط با طبیعت و محیط، درک زیبایی‌ها و الهام گرفتن از آن‌ها، در راستای سازمان‌دهی‌ای است که در تلفیق با مفاهیم درسی انتظار می‌رود بر فزاینده‌ی یادگیری در درس هنر و غنای مفاهیم درسی تلفیق شده بیفزاید. از این‌رو یادگیری در درس هنر (کارکرد اولیه) و سایر دروس (کارکرد ثانویه) از طریق رشته‌های نامبرده صورت می‌گیرد. دیویس، ۲۰۱۰ در (افزایش نقش هنر در آموزش اولیه قبل از خدمت معلمان) نشان داد که طیف وسیعی از عوامل قبل و ضمن دوره آموزش معلمان، به تقویت توانایی تدریس هنر معلمان کمک کرده است. معلمان دارای هنر تصویرگری، به‌عنوان افراد هنرمند، ارزش هنر را در آموزش کودکان تشخیص می‌دهند و با افزایش اعتمادبه‌نفس، به تخصص‌های مختلف برای تدریس هنر دست می‌یابند. معلمان برای غلبه بر ترس خود در مواجهه با نوآوری‌های برنامه‌ی درسی، نیازمند چنین تجاربی قبل از خدمت هستند. به‌این ترتیب، آشنایی با رویکردهای نوین آموزش هنر و طراحی الگوهای تدریس برتر برای متصدیان امور آموزشی و پرورشی بیشتر اهمیت می‌یابد و در برنامه درسی هنر از معلمان انتظار می‌رود که با در نظر گرفتن ساعات آزاد، برنامه‌های خلاقانه دانش‌آموزان را مورد تشویق قرار دهند و به آن‌ها در حوزه‌های مختلف هنری، فرصت فعالیت‌های خاص و منحصر به خودشان را بدهند. به این طریق به دانش‌آموزان در پرورش هویت‌های ویژه و خلاقانه یاری رسانده‌اند؛ بنابراین معلمان باید دانش کافی درباره هنرها داشته باشند که این دانش شامل مهارت‌های پیش‌نیاز در عرصه آموزش و هنر است و برای داشتن قضاوت صحیح درباره یادگیری دانش‌آموزان لازم است.

منابع

- آیزنر، الیوت؛ تدریس مبتنی بر هنر: چرایی. ترجمه‌ی محرم آقازاده
رضایی، منیره (۱۳۸۳). نقد و بررسی نظریه‌ی زیبایی‌شناسی هری برودی و کاربرد آن برای تعلیم و تربیت (با تأکید بر فرایند یاددهی-یادگیری). استاد راهنما: دکتر محمود مهر محمدی. پایان‌نامه‌ی تحصیلی دوره‌ی دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.
- کاپالدی، نیکلاس، فلسفه‌ی علم. ترجمه‌ی علی حقی (۱۳۷۷). تهران: انتشارات سروش.
- لنکستر، جان؛ هنر در مدرسه. ترجمه میر محمد عباس زاده (۱۳۷۳). تهران: انتشارات مدرس.
- میرزا بیگی، حسن (۱۳۹۰). نقش هنر در آموزش و پرورش بهداشت روانی کودکان، تهران: مدرسه.
- مهرمحمدی، محمود و کیان، مرجان (۱۳۹۳). برنامه‌ی درسی و آموزش هنر در آموزش و پرورش، تهران: سمت.
- مهر محمدی، محمود (۱۳۶۷). طراحی الگوهای برنامه درسی. فصل‌نامه‌ی تعلیم و تربیت شماره ۱۵ و ۱۶ پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت.



- مهر محمدی، محمود (۱۳۸۳). (آموزش عمومی هنر و چيستی، چرايي و چگونگی). تهران: انتشارات مدرسه.
- Deasy, Richard. Ed (۲۰۰۲). Critical links: Learning in the Arts and Student Academic and Social Development. Washington, DC: Art Education Partnership.
- Davies, Dan (۲۰۱۰). Enhancing the role of the arts in primary pre-service teacher education. Bath Spa University, Newton Park, Bath, Somerset BA۲ ۹BN, England, UK.
- Helen b. Hume (۲۰۰۲). A Survival kit for Elementary/ Middle School Art Teacher: Jossey – Bass.

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله